

صراط حق



حکمت الہی اقتضاء می کند
خداوند سفیرانی را بفرستد

دکتر وحید باقرپور کاشانی



«مالک مطلق عالم، باید مکلفانی که در مُلک او کار می‌کنند را به تحقق اراده‌ی خودش امر کند. چون او به صلاح و مصلحت مُلکش و اهل مملکتش داناتر است.»

حالا اینکه در مُلک او کار می‌کنند به تحقق اراده‌ی خودش امر کند، یعنی گاهی وقت‌ها این واسطه‌ها، موجوداتی مجبور هستن. تکویناً خداوند متعال امر کرده که تابع او باشن. امر کرده آتش نور و حرارت بده! امر کرده که کوهی زمین روزی یک‌بار دور خودش بچرخه، در ۳۶۵ روز دور این خورشید بچرخه! این‌طوری نیست که کوهی زمین اختیار داشته باشه بگه حالا مثلاً امسال من فرض بکنید در ۳۷۰ روز دور زمین می‌چرخم! سال بعد در ۳۰۰ روز می‌چرخم! یا این بناست که ۲۴ ساعت دور خودش بچرخه، می‌گه نه! هر ۴۸ ساعت دور خودم می‌چرخم!

این‌طوری نیست!

لذا می‌بینید این مُلکی که در ارتباط با پروردگار هست، با بحث جبر این‌ها حل هست.

اما موجودات مختار که امر می‌کنه باید بالاخره اوامر و نواهی خودش رو ارائه بده که اون‌ها بتونن انتقال بدن به موجودات مختار.

می‌فرمایند «چون او به صلاح و مصلحت مُلکش و اهل مملکتش داناتر هست».

یک پاورقی دارن می‌نویسن:

«حتی خود مکلفان عامل در مُلک خدا نیز، خودشان جزئی از ملک خدا هستند. چون خداوند خالق و مالک حقیقی آنهاست. پس حتی تصرف آنها در جان خودشان نیز باید به امر خدا باشد. چون خداوند مالک آنها و مالک همه‌ی امور تحت سلطه‌ی آنهاست به نحو ملکیت حقیقی».

میگه حتی اومده که عواملی رو قرار داده وسایطی و قرار داده که اون وسایط به تعبیری میان چه کار می‌کنن؟

این‌ها عامل هستن در چرخش مُلک خداوند. خب می‌گه همون‌هایی که عامل هستن، این‌ها قوه‌شون رو از کجا آوردن؟
«لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

حتی اون کسانی که فرض کنید در بهشت هستن، اصلاً از اول هم برای بهشت خلق شدن، موجودات مختاری هم هستن‌ها، نیازی به امتحان هم نبوده!

یک جمعی هستن از اول خدا این‌ها رو برا جهنم خلق کرده، جزو افرادی هستن که شکنجه می‌دن در جهنم.

همون کسی که تو بهشت هست، یا همون کسی که برای جهنم هست، آن به آن باید از ناحیه‌ی او قوه برسه!
توان از ناحیه‌ی اوست! اساساً موجودیتش از اوست! تداوم موجودیتش از اوست! هر نفسی که می‌کشه اگر موجودی هست که با نفس بقا داره، به اوست! حیات او به اوست! رزق تمام این‌ها به اوست! حتی همون کسی هم که عامل در مُلک خداوند متعال هست، در همون تصرفی که می‌کنه در جهات مختلف، خداوند سلطه به همون هم داره!


اصلاً هیچ کسی نمی‌تونه که بگه من مستقل از خداوند هستم!
هیچ کسی! یک تعبیری هست از سیدالشهدا، یکی اومد پیش امام حسین علیه‌السلام گفت آقا می‌تونم گناه بکنم؟
گفت اشکال نداره تو از مُلک خدا خارج بشو گناه بکن!
اصلاً می‌گه از مُلک خدا خارج شم از زمین خارج بشم از همه جا، اصلاً فرض کن برم خلاً! خودت چی!
خودت هم جزو ملک خداوندی! جزو ملک خداوندی! جزو ممالک الهی هستی! یعنی نمی‌تونی گناه بکنی!
نمی‌تونی تخلف بکنی!

پس فرمودن:

«وگرنه آن‌ها در اجرای نادانی خود در مُلک خداوند معذور خواهند بود و در این صورت حکمت به سفاقت تبدیل می‌شود و این فرض از حکیم مطلق درست نیست».

حالا فرض بکنید که خداوند متعال کسی رو نفرسته، کسی که این‌ها رو راهنمایی بکنه ارشاد بکنه این‌ها رو نفرسته! این‌ها چه کار می‌کنن؟! کارهای سفیهانه می‌کنن! آیا به این‌ها حرجی هست؟ خداوندا این مُلک توست، تو موجودیت بهش دادی، خب باید هدایتش هم بکنی دیگه! این هدایتش از ناحیه‌ی کیست؟ هدایتش از ناحیه‌ی تو باید باشه! پس می‌گه که: «و در این صورت حکمت به سفاقت تبدیل شده و این فرض از حکیم مطلق درست نیست». یعنی باید این‌ها رو آگاه‌شون بکنه. حالا گاهی اوقات هم تکویناً هم تشریحاً. یعنی بالاخره در تکوین این باید نوعی علم خوابیده باشه که بر اساس اون عمل بکنه. در تکوین آتش باید این باشه که بتونه نور بده بتونه حرارت بده، این آتش تکویناً ول بکنه نور و حرارت نده نمی‌شه که!

اون کسی هم که مختار هست چی؟! اون کسی هم باید بهش اوامر الهی، علم به اراده‌ی خداوند، هدف خلقتش، طاعات و ترک از معاصی و جهات مختلف بهش املاء و انشاء بشه!



بهبش تفهیم بشه که بتونه درست عمل بکنه! اگه بهش تفهیم نشه
حرجی نیست بهش!

و اگر این چنانچه تفهیم نشه این جا چه مشکلی پیش میاد؟
نقض غرض پیش میاد!

خداوند از باب هدایت و حکمت، عالم رو خلق کرده، اما اینها رو به
حال خودشون گذاشته بی حکمتی به وجود آوردن! فساد به وجود
آوردن!